

## عبور از دالان تاریخ و هنر

موزه در صحن کوثر واقع شده است. در ضلع غربی این صحن ساختمان موزه قرآن و آثار اهدایی مقام معظم رهبری واقع شده است. ابتدا برای ورود و بازدید به تهمیه کردم. هزینه بلیت برای هر نفر شش هزار تومان بود. قیمت مناسب بود و اغلب خانواده‌ها توان پرداخت آن را داشتند. آرامش دلنشینی در فضای موزه حاکم بود. این موزه ۳ سالن برای نگهداری اشیای نفیس و اهدایی داشت.

رو بروییم سالن بزرگی بود که در تابلوی روی دیوار با خط زیبایی نوشته شده بود «گنجینه هدایای مقام معظم رهبری». قبل از ورود به موزه قرآن گذری به این بخش داشتیم. سالنی بزرگ با سقفی بلند و زیبا که با چند ویترین شیشه‌ای بزرگ با نورهای ملایم به چند قسمت تقسیم شده بود. داخل ویترین‌ها اشیایی همچون انواع ظروف کریستال، چینی، سفالی، برنزی، نقره‌ای، طلایی، عاج فیل حکاکی شده، جاقو، گل‌دان، سرویس قاشق و چنگال دست‌ساز، تابلوهای خط و تذهیب و نقاشی، تانواع تابلو فرش، عصا، تراش روی شیشه، معرق چوب و صدف، سوزن دوزی، قلم‌زنی روی مس، ماکت، مدال، سکه و ده‌ها شیء دیگر به نمایش درآمده بود. سران کشورها، خارجی، شخصیت‌های برجسته ایرانی و خارجی و ارادتمندان به رهبر انقلاب در طول سال‌ها به نشان ارادت، تحفه‌ای را پیشکش ایشان کرده‌اند و ایشان نیز به رسم ادب، همه این هدایا را به آستان ملکوتی سلطان توس بخشیدند.

در سالن شماره دو، وارد سالن آثار استاد فرشچیان شدم. که ۱۸ اثر از زشمنداستاد را در خود جای داده است. سالن تاریک بود. اما هر یک از تصاویر با نور لامپی از کف سالن روشن شده بود تا باز دید کننده جزئیات بیشتری را از تصویر را ببیند. فضای این بخش با آن تصاویر ماورایی که هر کدام مفهومی را به نمایش گذاشته بود عجیب، دوست‌داشتنی و غیر قابل وصف است.

از راهنمای موزه که در طبقه همکف مستقر بود پرسیدم موزه قرآن کجاست؟ با دست اشاره کرد که باید به طبقه بالا و سالن شماره سه بروم. پله‌ها را یکی پس از دیگری طی کردم. وارد سالنی بزرگ، زیبا با نورپردازی ملایم شدم. این تالار نیز ویترین‌های بسیار زیادی داشت که دور تا دور تالار کنار دیوار چیده شدند، تعدادی قفسه شیشه‌ای نیز در وسط سالن قرار گرفته بود و قرآن‌ها و اشیای نفیس مرتبط با قرآن را در خود جای داده بود. آنچه که در ابتدا بیش از همه نظرم را جلب کرد هوای بسیار سرد آنجا بود. شاید از هوای شصت و دومین روز زمستان هم سردتر.

شروع به تماشای قرآن‌های کوچک و بزرگ داخل ویترین‌ها کردم. اطلاعات مربوط به هر اثر روی کاغذهای زرد رنگی نوشته شده بود. مطالب را با دقت خواندم، معنی برخی عبارات و اصطلاحات را نفهمیدم اما حواسم بود تا قبل از ترک موزه از کارشناس مستقر در این بخش مفهومی را جویا شوم. در حین



بازدید بودم که گروهی زن و مرد از اهلی پاکستان وارد موزه شدند. راهنمای تور از ویترین اول سمت راست ورودی سالن همان جایی که قرآن منسوب به حضرت علی (علیه السلام) قرار گرفته بود، به زبان اردو که من اصلاً متوجه‌اش نمی‌شدم شروع به توضیح دادن کرد. همه دور تا دور میز ایستاده بودند با دقت گوش می‌کردند و با حرکات سر و دست تعجب و حیرت خود را بعد از شنیدن توصیفات و خصوصیات آثار نشان می‌دادند.

یکی پس از دیگری قرآن‌ها، اشیای نفیس داخل ویترین‌ها و تابلوهای قرآنی روی دیوار را تماشا کردند و از قرآن‌ها و خودشان عکس یادگاری می‌گرفتند. یکی از این زائران مرد میان‌سالی بود که رفتارش نظرم را جلب کرد. در دستش گردنبند پارچه‌ای مشکی بود که آن را به شیشه ویترین‌های حاوی قرآن می‌کشید و آن متبرک می‌کرد. حال هوای معنوی و تماشایی داشتند.

پس از بازدید از سالن قرآن‌ها و وارد سالن دیگری در همین طبقه شدم که مجموعه نسخه‌های دست‌نویس و کتب خطی از حدیث، فقه، اخلاق، اخبار با نمونه‌های ممتاز هنرهای خوشنویسی، کتاب‌آرایی و تجلید نگهداری می‌شد. البته در منتهی‌الیه سمت راست همین تالار سفید تابلویی بسیار بزرگ افقی روی دیوار نصب شده بود. نزدیکش که رسیدم عظمت و زیبایی‌اش بیشتر آشکار شد. روی تابلوی معرفی اثر نوشته